

«و رأیت الناس یدخلون فی دین الله افواجا»

عنوان بحث: بیان آثار ارزشی نصرت و فتح الهی

دانستیم که «فتح» کمالی وجودی است و تعبیر «نصر الله و الفتح» یعنی «نصرت» و «فتح» در اینجا به معنی مطلق آن نیست بلکه منتسب به خداوند است و خداوند هم از صفاتی که مسانخ با اوست یعنی صفات الهی حمایت میکند.

آیه «و رأیت الناس یدخلون فی دین ... افواجا» نیز که به بیان آثار ارزشی نصرت پرداخته دلالت بر ارزشی بودن نصرت و فتح دارد.

آثار نصرت و فتح ، داخل شدن در دین خدا است که مردمان فوج فوج به دین خدا می گروند. این فتح ورود در اقیانوس معرفت و رفع حجابها و دیدن زیباییهای دین الهی است.

وقتی که مردم فوج، فوج از دین خدا استقبال کرده ، وارد آن می شوند ، در واقع مظاهر شرک و خرافات و پلیدیهای که مانع درک حقیقت در رسیدن و تصدیق دین خدا بودند کنار رفته و خورشید حقیقت اسلام خود را به مردم نشان داده و زیبایی آن دلها را به خود معطوف کرده است .

تعبیر «و رأیت الناس» این پیام را می رساند که آنچه ارزشمند و مهم است دیدن مردم در حال ورود به دین می باشد . و فتح و نصرت مربوط به چنین حالتی است.

آن چیزی که موجب اقبال و توجه مردم میشود و به دین میگردند این است که کسی مشمول این نصرت و فتح الهی بشود و با ظهور صفات الهی و انسانی نصرت الهی و فتح الهی را در زندگی خودش نشان بدهد تا مردم بتوانند نظاره گر این نصرت الهی و فتح الهی باشند. و توجه یه این نکته برای کسانی که در پی

تبلیغ دین هستند بسیار مهم است که «ورود در دین» متکی به ظهور نصرت و فتح الهی هست.

امام رضا (ع) می فرمایند: «اگر مردم زیبایی‌های سخنان ما را می‌شناختند ، بی‌شک از ما پیروی می کردند.»^۱

آیه ی «و رأیت الناس یدخلون فی دین الله افواجا» به هر دو جنبه ی فردی و اجتماعی نصرت و فتح اشاره دارد .

در جنبه ی فردی اگر ورود در دین خدا در وجود تک تک افراد محقق شود و انسان در همه مظاهر هستی ، الهی شود خوب این تحول در اجتماع هم ظهور پیدا می کند زیرا این آحاد مردم هستند که اجتماع را می سازند، و اگر این آحاد حقیقتشان الهی باشد، اجتماعشان هم الهی خواهد بود .

بایدباید توجه داشت که جنبه ی فردی خود نیز از یک نظر جنبه ی اجتماعی است زیرا هر فردی خودش اجتماعی است.

در آخرت انسان می بیند که هریک از اعمال، خلقیات و افکارش به صورت موجودی زشت یا زیبا تمثل پیدا کرده، و دارای حیات است . آنجا انسان می فهمد که خودش به اندازه آسمان و زمین وسعت دارد که سکنه آن آسمان و زمین همه ابعاد مختلف وجود او هستند.

از این منظر «دخول فوج فوج در دین الهی» را می توان به همین جمعیت و سکنه زمین و آسمان وجود انسان نسبت داد. (تعبیر «ناس» را میتوانیم برآن منطبق کنیم) که مصادیق مختلف افکار و خلقیات و اعمال همه رنگ الهی به خود می گیرد و در دین خدا وارد می شود .

علاوه بر اینکه اگر لشکریان عقل و جهل را در درون انسان به صورت جمعیتی بدانیم نصر و فتح از این نظر هم در ابعاد درونی انسان چهره اجتماعی به خود می گیرد.

باید توجه داشت که ورود در دین الهی مراتبی دارد اعم از اصلاح ظاهر، اصلاح نفس و اصلاح قلب و روح و هر کدام از این مراتب نیز مراتبی دارد زیرا اصلاح هر جنبه به یکباره تحقق پیدا نمیکند.

بیان جایگاه « وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا » به عنوان مقدمه ی آیه ی «فسبح بحمد ربک...»:

وقتی مردم هم به حسب ظهور اجتماعی این امر در بیرون و هم بر حسب ظهور جنود الهی در ممالک زمین و آسمان وجود یک فرد در پایگاه دین وارد شدند و همه ی جوانب مذکور رنگ الهی به خود گرفت، حرکت دیگری شروع میشود که همان حرکت به سوی خداست. یعنی سیر و حرکت الهی باید از خاستگاه و پایگاه دین خدا شروع شود.

بنابراین تا وقتی مراتب وجود انسان الهی و دینی نشود نه نصرت و فتحی تحقق یافته و نه حرکت به سوی خدا ممکن است.

وقتی حرکت الهی شروع می شود که جنود شیطانی از ملک وجود انسان بیرون بروند و جنود الهی در آن مستقر شوند.

در تطبیق این مطلب با وضعیت اجتماعی هم باید گفت: وقتی مردم همه حول محور برپایی قوانین الهی در جامعه گرد بیایند و نظام حکومتی دینی را برقرار کنند آنجا جامعه حرکت به سوی خدا را شروع می کند.

عنوان بحث: ثمره ی عملی

ما اگر به زندگی خودمان بیاندیشیم می بینیم که دردها، غمها و غصه های ما همه برای دریافت نصرت و فتح مادی و اعتباری است نه واقعی که کمالی وجودی است و ما را به درک حیات برتر و چشم اندازهایی زیباتر از صفات الهی و زیباییهای حقیقی می رساند.

ما از عدم استقبال و کندی سعی و تلاش در اصلاح و خدایی کردن ابعاد وجودمان باید بفهمیم که حرکت ما در بستری غیر طریق الهی واقع شده برای همین نصرت و فتح را دریافت نمی کنیم.

اگر به راستی در مسیر قرب الهی در حرکت باشیم به تدریج آثار تقرب به آن منبع علم و قدرت و کمال مطلق در وجود ما آشکار می شود و قوای ظاهری و باطنی تقویت شده به ادراکات لطیفتر و عالی تری دست می یابیم.^۲

پی نوشت:

(۱) معاني الأخبار، ص ۱۸۰

(۲) آداب الصلاة ص ۵۶ تا ۱۷۹